

آرتروز گردن *

نگارش: دکتر محمد حسین اردوبادی **

آرتروز بدون شك شایع ترین نوع بیماری روماتیسمی در اشخاص بالغ و بطور کلی یکی از شایع ترین امراض انسانی است. حتی میتوان گفت که پیدایش آرتروز را نمیتوان « بیماری » بمعنای واقعی دانست. زیرا این تغییراتیکه در غضروفهای مفصلی و سپس در انتهای استخوان بروز میکند و ما آنرا بنام آرتروز میشناسیم اصولاً از دسته تغییراتی است که هنگام سیر نزولی مخصوص کهولت Senile Involution در انسان و همه موجودات زنده دیده میشود مثلاً در گیاهان زرد شدن برگ درختان و ریختن آنها عیناً همین معنی را دارد. در انسان سپید شدن موی سر و ریختن دندانها و اختلال حس شنوایی و بروز تغییرات دژنراتیو در عضلات مختلف (از جمله عضله قلب) و همچنین در دستگاه عصبی و بالاخره بروز تغییرات دژنراتیو در غضروفهای مفصلی و پیدایش آرتروز تظاهراتی است که مربوط بهمین سیر نزولی است. بدون شك عواملی که موجب افزایش فعالیت مفاصل و فشار بیشتر بر غضروفها میشوند به پیدایش آرتروز کمک میکنند و ممکن است موجب شوند که آرتروز خیلی زودتر از کهولت واقعی و حتی در سنین جوانی دیده شود. مخصوصاً در ایران بعللی که کاملاً برنگارنده روشن نیست آرتروز را گاهی در افراد بسیار جوان مشاهده میکنیم.

تشخیص آرتروز در مفاصلی مانند زانو و مفصل ران Hip و بعضی مفاصل دیگر نسبتاً آسان است ولی یکی از نقاطی که تشخیص آرتروز آن گاهی مشکل میشود ستون فقرات و مخصوصاً ستون فقرات ناحیه گردن Cervical است. از آنجا که دلیل اشکال تشخیص آرتروز این ناحیه آنست که بیماران اکثر اوقات در محل ضایعه (گردن) احساس درد نمیکند، توجه پزشک را باین موضوع جلب نمیکند. شایع ترین علائم آرتروز گردن دردها و اختلالات عصبی است که در نتیجه فشار بر روی ریشه های اعصاب نخاعی بروز میکند. مهمترین این علائم که آنها را علائم ریشه ای Radicular

* چون در مواردی تشخیص این بیماری آسان و در موارد دیگر دشوار است بدین سبب برخی آنرا بیماری «آسان دشوار» و یا سهل ممتنع نام نهاده اند.

** دانشیار بیماریهای داخلی و متصدی بخش پزشکی بیمارستان شماره ۳ کمک

مینامند بقرار زیر است :

۱- درد - محل آن بر حسب ریشه‌هاییکه تحت فشار قرار گرفته‌اند فرق میکند و بطور کلی در ناحیهٔ درماتوم مربوطه است - بدین معنی که در صورتیکه ریشه‌های اول و دوم و سوم و چهارم تحت فشار قرار گرفته باشند - درد در ناحیه سر و پشت گردن ظاهر میشود و بیمار از سردرد یا درد گردن شکایت میکند .
در صورتیکه ریشه‌های پنجم و ششم و هفتم فشرده شده باشند درد در مسیر اندام عالی و در شان و بازو و آرنج و گاهی دست حس میشود .
در صورتیکه ریشه‌های زوج هشتم گردنی یا پائین‌تر از آن فشرده شده باشند درد در قفسه سینه بروز میکند . این درد ممکن است درست راست یا چپ سینه و مثلاً نزدیک نوك قلب یا بالاتر از آن احساس شود و با دردهای ناشی از قلب و بیماریهای ریه و پرده جنب اشتباه شود .

بهر صورت محل بروز آن هر کجا باشد درد ریشه‌ای مشخصات بالینی مهمی دارد که بکمک آنها بیماری را با احتمال نزدیک به یقین میتوان تشخیص داد :
این درد معمولاً بصورت حملات کوتاه مدت ظاهر میشود و دردی است حاد و سطحی شبیه سوزش Sharp Burning pain بیمار آنرا تشبیه بفرو رفتن سیخی در عضو میکند . در فواصل این حملات يك نوع مرده درد خفیف و حساسیت مخصوص باقی مینماید . عواملی که مخصوصاً موجب اشتداد درد میشوند عبارتند از : سرفه - عطسه - زورزدن و حرکات گردن .

بیماران بغیر از درد گاهی از بیحسی یا گزگز و پارسستی و زمانی از ضعف و ناتوانی عضلات مربوط بر ریشه‌هاییکه تحت فشار قرار گرفته‌اند شکایت دارند . مثلاً در صورتیکه ششمین ریشه گردنی تحت فشار قرار گیرد نیروی عضلات دوسر Biceps و همچنین عضلات شست دست کاهش مینماید و در صورتیکه هفتمین ریشه گردنی فشرده شده باشد نیروی انگشتان دوم و سوم کم میشود .

علائم فیزیکی این بیماران در صورتیکه بدقت تجسس شود گاهی کمک زیادی به تشخیص میکند مهمترین این علائم بقرار زیر است :

حساسیت ستون فقرات ناحیه گردن گاهی اوقات قابل توجه است ولی این علامت ثابت نیست حرکات نسبتاً شدید گردن مخصوصاً خم کردن Flexion و گاهی باز کردن Extension موجب بروز درد یا پارسستی (و یا هر دو) در امتداد ریشه مربوطه میشود . هرگاه بیمار راست بایستد و بطور عمودی بر فرق سر او با دو دست فشار بیاوریم ممکن است در مسیر ریشه مربوطه درد یا پارسستی بروز کند . در مسیر اعصابی که تحت فشار قرار دارند گاهی هیپراستزی Hyperesthesia وجود دارد و فشار سطحی درد را شدید تر میکند ولی معمولاً فشار عمقی موجب اشتداد

درد نمیشود و گاهی حتی موجب نقصان آن میگردد .

ضعف نیروی عضلانی درعضلاتیکه ذکرشد درآزمایش فیزیکی نیز سهولت قابل تشخیص است .

اختلالات رفلکس گاهی دیده میشود مثلاً فشار بر ششمین ریشه گردنی موجب ضعیف شدن یا از بین رفتن رفلکس عضله دوسر Biceps reflex میشود و فشار بر هفتمین ریشه موجب اختلال رفلکس عضله سدر Triceps reflex میگردد .

اختلالات حسی نیز بعضی اوقات وجود دارد . ومخصوصاً درامتداد درماتوم مربوطه بروز میکند .

علائم عصبی گاهی خیلی شدیدتر است بندرت ممکن است علائم فشار بر نخاع ظاهر شود . و یک یا دو پا یا دست دچار فلج یا آتروفی شود وحتى درجات خفیف یا شدید فلج چهار اندام Quadriplegia بروز کند .

تشخیص قطعی بیماری البته با رادیوگرافی ستون فقرات است منتها این نکته را نباید فراموش کردکه دراینمورد هم مثل موارد دیگر باید نتیجه رادیوگرافی را با توجه بعلائم بالینی بیمار تفسیرکرد زیرا همچنانکه میدانیم استئوفیت‌های ستون فقرات که نشانه قطعی ارتروز است دراکثر اشخاصیکه ۵۰ سال یا بیشتر دارند قابل رویت‌است ولی این استئوفیت‌ها در نزد عده زیادی علامت مهمی ایجاد نمیکند و فقط درحدود پنج درصد بیماران دچار علائم و ناراحتی ناشی ازآن میگردد؛ د .

تشخیص افتراقی بیماری را باید از امراض دیگر مخصوصاً سندرم اسکالن قدامی Scalenus anticus sy. داد تشخیص با دیسک ستون فقرات درناحیه گردن گاهی آسان نیست ولی آنقدرها اهمیت ندارد زیرا هم علائم و هم درمان آن با ارتروز کاملاً شبیه است .

بطورکلی مهمترین نکته‌ای که درتشخیص این بیماری شایان توجه است لزوم اطلاع ازوجود ومخصوصاً شیوع بیماری است اگر با توجه بهشیوع بیماری درموارد مقتضی بفکر آن باشیم تشخیص نسبتاً آسان است ولی اگر بفکر آن نباشیم تشخیص ممکن است بسیار مشکل باشد ودرک علت گرگر انگشتان یا ضعف نیروی دستها یا درد قفسه سینه بیماران عملاً ممکن نگردد باین علت است که نگارنده درعنوان این مقاله این مرض را « بیماری سهل و ممتنع » خوانده است .

در درمان این بیماری تنها وسیله موثری که برای اصلاح علائم ریشه‌ای موجود است کشش گردن Traction است . این کار را باوسیله بسیار ساده‌ای میتوان انجام داد و هرگز نباید بیماران را از فوائد بدون بحث آن محروم کرد. جلسات کشش را از ۲۰ تا ۴۵ دقیقه می‌توان ادامه داد و وزنها را برحسب قدرت تحمل بیمار از ۳ کیلو تا ۷ کیلو میتوان انتخاب کرد . بعضی متخصصین درموارد سخت کششهای طولانی را با وزنه‌های

کم (۵۰ تا ۱ کیلو) موثرتر میدانند .

در سه سال اخیر نگارنده در مطب شخصی در حدود ۳۰ نفر بیمار را که مبتلا به علائم ریشه‌ای بوده‌اند با این وسیله تحت درمان قرار داده است و نتیجه معالجه در اکثریت قریب‌باتفاق خوب و در بعضی موارد بسیار خوب بوده است . از این عده تنها در دو نفر نتیجه رضایت‌بخش نبوده است .

بنظر نگارنده برای آنکه کشش گردن موثر باشد تجویز داروهای شل‌کننده عضلات Muscle relaxant ضروری است برای اینکار مفترین (تولسول و تولسرام) بمقدار روزی ۴ - ۲ گرم مفید است همچنین کلرودیازپوکسید (لیبریوم) نتایج بسیار خوبی میدهد بعضی پزشکان ویتامین B_{۱۲} را به مقدار زیاد (۱۰۰۰ میکروگرم در روز) توصیه میکنند . این دارو بنظر میرسد در بعضی موارد مفید باشد ولی توجه اثر آن مشکل است . از اینها گذشته داروهای ضد درد معمولی (آسپرین) یا گاهی داروهای ضد درد قویتر (مانند فنیل بوتازون) را نیز بر حسب ضرورت میتوان بکار برد .

درفرانس نزد نگارنده است .